

ریشه‌های یک بحران بالنده

اکنون دوره‌ای از تغییر عمیق و سریع ولی ناهموار را می‌گذرانیم که با بحرانهای بسیار همراه است. این تغییر به صورت عمده با قدرت پیوست فزاینده‌ای وابستگی دارد که از طریق پیشرفتهای علم و فناوری آمیخته‌ای از تناقضات است. از یک سو

فواید عظیمی نصیب بشریت کرده است. و از سوی دیگر، به آن انجامیده است که وسایل مخرب عظیم و فراوان در دسترس انسانها قرار گیرد. علاوه بر این، تناقضهای جبری موجود در انتقال فناوری از مراکز صنعتی به سرزمینهای در حال رشد جهان، سبب پیدا شدن ناهماهنگیها و گسستگیهای جدی شده است. نابرابریها تشدید پیدا کرده و یک رشد جمعیت خارج از انتظار جهان را در میان گرفته است.

در یک مسئله هیچ شکمی وجود ندارد: هیچ یک از مشکلات و مسائلی را که نوع بشر امروز و فردا با آن روبرو است، نمی‌توان بدون تأمین صلح در جهان، و بدون از بین رفتن تنشها و در آوردن آنها به صورت فرایندی برگشت ناپذیر به گونه‌ای موفقیت‌آمیز حل کرد؛ و بدون آنکه منابع عظیمی را که اکنون با مسئله مسلح شدن جهان به هم گره خورده است به خط رشد و توسعه بشریت هدایت کنند، حصول این آرمان صورت پذیر نیست.

تلاشهای به کار رفته برای تحکیم صلح - که باید آن را همچون نظامی عادلانه و دموکراتیک در روابط بین‌المللی بسنا شده بر اصل همزیستی مسالمت‌آمیز و نه فقط در نبودن جنگ بدانیم - باید در همهٔ زمینه‌ها، از اقتصاد گرفته تا علم، و از دیپلماسی تا فرهنگ، گسترش یابد.

هزینه‌های سالانهٔ جهانی در مسابقهٔ تسلیحاتی احتمالاً در حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ میلیارد دلار است، یعنی مبلغی برابر با درآمد ملی همهٔ آن سرزمینهایی که اکثریت نوع بشر در آنها سکونت دارند. در عین حال ۲۵۰۰ میلیون مرد و زن در حالت متزلزلی زندگی می‌کنند که سطح تغذیهٔ آنها در زیر حداقل قابل قبول

مستخرج از یک متن دسته‌جمعی نوشته: پوشیو آپ، استاد دانشگاه توکیو.

سمیرامهن، مدیر مؤسسهٔ آفریقایی برنامهریزی و توسعهٔ اقتصادی، داکار.

مارگارت ج. انستی، نایب رئیس دفتر آمریکای لاتین، برنامهٔ توسعهٔ ملل متحد، نیویورک.

پشیرین یحمد، مدیر مجلهٔ آفریقای جوان، پاریس.

ویلبرت چاگولا، وزیر اقتصاد و برنامهریزی، جمهوری متحد تانزانیا.

ژان ماری دومناش، مدیر مجلهٔ اسپیری، پاریس.

ماریون دونوف، سروراستار هفتگی نامهٔ دی‌زایت، هامبورگ.

عبدالرزاق قنوره، رئیس سابق دانشگاه دمشق، معاون مدیر کل یونسکو در بخش علمی از آوریل ۱۹۷۶. آلفرد کاستلر، عضو فرهنگستان علوم فرانسه، برندهٔ جایزهٔ نوبل در فیزیک.

م. گ. ک. منون، وزیر برق، دولت هند.

یهودی منوهین، رئیس سابق شورای بین‌المللی موسیقی، یونسکو، پاریس.

شارل موراز، مدیر انستیتوی تحقیقات در بارهٔ رشد اقتصادی و اجتماعی، دانشگاه پاریس.

اولیو پتجنی، رئیس باشگاه رم، ایتالیا.

رائول برهیش، نمایندهٔ مخصوص سابق دبیرکل، عملیات فوری و ضروری ملل متحد، نیویورک.

رادوفان ریشتا، مدیرکل انستیتوی فلسفه و جامعه‌شناسی فرهنگستان علوم چکسلواکی، پراگ.

خوآکین رویز-خیمنز، استاد دانشگاه مادرید.

عبدالعزیز السید، مدیر کل سابق سازمان تربیتی و علمی و فرهنگی عرب، پاریس.

وادیم سوپاکین، استاد حقوق بین‌الملل، مسکو.



Photo Dominique Roger - Unesco

در جهان

قرار دارد. میزان رشد جمعیت کنونی آن مردم چنان است که انتظار می‌رود در ظرف مدت ۲۵ سال آینده شماره آنان دو برابر شود.

منابع کره زمین که در دسترس ماست محدود است. ما در ظرف مدت زندگی فقط چند نسل محدود، منابعی از انرژی زیرزمینی را مصرف کرده ایم که در ظرف مدت هزاران میلیون سال گرد آمده بوده است. در آینده‌ای بسیار نزدیک، خطر آن هست که ما، بدون آنکه فکری برای نسلهای آینده بکنیم، گیاهان و درختانی را که با گذشت قرن‌ها بر روی زمین پیدا

شده‌اند از بیخ و بن براندازیم. در ظرف مدت پنجاه سال گذشته، سه دهم جنگلهای بعضی از جزایر مدارگانی (Tropical) از میان رفته است. نسلهای امروز بر اثر فشار ضرورت‌های واقعی یا ساختگی و به منظور حفظ رشد اقتصادی و افزایش مصرف یا ارضای آن، بدون توجه به عواقب، به غارت کردن و آلوده ساختن طبیعت پرداخته‌اند.

بنابراین خود این واقعیت که منابع ما (خواه قابل تجدید و خواه جز آن) محدود است، نشان می‌دهد که «الگوی باختری» رشد و توسعه را نمی‌توان در همه جا و همه وقت تطبیق داد.

در بعضی از جامعه‌ها که به صورتی مستین استقرار یافته است، صنعتی کردن و فتاوری سبب آن

می‌شود که افراد و گروه‌ها امکان تأثیر کردن بر شرایط زندگی و، بنابراین، سرنوشت خود را از دست بدهند.

حقوق و آزادیهای بشری بر اثر دخالت‌های مکرر نابجایی که در زندگی خصوصی افراد صورت می‌گیرد در معرض تهدید قرار گرفته است. در نتیجه گسترش علم حسابداریها و راه و رسمهای ارتباطی، زندگی مشروط به تجسسهای شده که در پاره‌ای از موارد حالت جاسوسی و ایمانکاوانه به خود می‌گیرد. مثلاً بعضی از کشورهای صنعتی شده باید به نوع تازه‌ای از تلاش و کوشش متوسل شوند تا از حقوق بشر دفاع

تصاویر این مقاله به صورت نمادی، تحول چشم‌انداز بشری را از چشم‌انداز جامعه و ناحیه‌ای کوچک به یک چشم‌انداز واقعاً جهانی مجسم می‌سازد. تصویر طرف چپ از مجسمه‌ای است کار آلبرتو جیاکومتی سونیمی که در حیاطچه‌ای از ساختمان مرکزی یونسکو در پاریس قرار گرفته است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

کنند که مفهوم آن دادن وعده توخالی به توده‌های ساکن کشورهای در حال رشدی است که از ابتدایی‌ترین وسایل برآوردن نیازمندیهای خود محرومند.

این بازتابهای متقابل مسائلی را که جهان نوین با آن روبه روست بتأکید آشکار می‌سازد. ما با مسائلی

متمایز از یکدیگر روبه رو نیستیم که بتوانیم به حل هریک از آنها بطور جداگانه پردازیم. بنابراین مقدم بر هر کوششی برای حل کردن مسائل و مشکلات امروز، لازم است به یک نظر کلی و جهانی دسترسی پیدا کنیم. اعلامیه سازمان ملل متحد درباره «یک نظم اقتصادی تازه بین‌المللی» می‌تواند همچون حادثه‌ای با اهمیت جهانی تلقی شود.

باید این اندیشه را از سر دور کنیم که مراکز

قدرت اقتصادی تنها منبع حق و تمدن و جهانشمولی است. در بعضی از نواحی این اعتقاد پیدا شده است که رشد صنعتی تقلید شده از بعضی کشورهای اروپا یا شمال امریکا، به خودی خود سبب بهبود یافتن شرایط زندگی و اوضاع و احوال بشری است، و هر ملتی مختار است که این الگو را برای خود انتخاب کند. باید با این واقعیت روبه رو شویم که چنین نیست. رشد و توسعه، چون به صورت کلی و جهانی در نظر گرفته شود، دیگر نمی‌تواند به صورت گسترش مستقیم علم و راههای اندیشیدن و روشهای زندگی یا آزمایشهای مخصوص یک ناحیه جهان در همه جا

Photo © USIS, Paris



تعمیم یابد؛ هر رشد و توسعه محلی باید وابسته به ارزشها و فرهنگ خود آن محل باشد.

انتقال دادن حاصل جمع کلی علم و شناخت از کشورهای توسعه یافته به کشورهای در حال توسعه کافی نیست؛ اگر چنین شود، امکان هرگونه کاشتن و به ثمر رساندن نهال علم و فناوری در سرزمینهایی که آن علم و شناخت را دریافت می‌کنند، از میان می‌رود و زمینه را برای «فرار مغزها» آماده می‌سازد و حتی سبب کندی پیشرفت علم می‌شود.

مسئله اصلی و بلاواسطه‌ای که کشورهای در حال رشد با آن روبرو هستند، مسئله استقرار بخشیدن به یک زیربنای علمی است. تا زمانی که چنین زیربنایی وجود نداشته باشد، رشد علمی صحیح پیدا نخواهد شد، و آنچه وجود دارد تنها علمی «پیوندی»

Photo Georg Gerster © Rapho, Paris

است که از خارج آمده است (علم وارداتی) و با نیازمندیهای واقعی سرزمین مورد نظر سازگار نیست. گونه‌ای از رشد علمی که مطابق با نیازمندیهای یک ناحیه باشد، باید تنها بر شالوده آگاهی از تمدن سنتها و ارزشهای آن ناحیه بنا شده باشد.

در حالی که علم با شناخت اکتشاف کننده و فهم طبیعت سر و کار دارد، کاربرد آن به صورت عمده زیر فرمان انگیزه سوددهی به نفع بخشهای کوچکی از جامعه بشری اعم از گروهها یا کشورهاست.

همچنین لازم است توجه خواننده را به مبالغه‌های هنگفتی که به مصرف پژوهشهای علمی می‌رسد جلب کنیم که دست کم نیمی از آن به پژوهشهای تسلیحاتی اختصاص دارد. به طور قطع علم یکی از بزرگترین تجلیات نبوغ بشری است. آنچه مورد نیاز است تصویری تازه و استراتژی بین‌المللی فراگیری برای رشد و توسعه آن علم و فناوری است که منعکس‌کننده

نیازمندیهای اجتماعی کلی جهانی بوده باشد.

با پیشرفت پرشتاب علم و فناوری، توسعه‌ها و پیشرفتهای تازه‌ای در آینده نزدیک پیدا می‌شود که نتایج آنها در جامعه بشری، به عنوان یک کل، جنبه جهانی خواهد داشت. همچون: دخالت در رمزه‌های ژاگتشناختی (ژنتیکی)، کوششهای عمدی برای تغییر دادن آب و هوا، به کار گرفتن نظامهای اطلاعاتی و دستگاههای ذخیره کردن با حافظه‌های دایمی، به کار گرفتن صنعتی کهسازواره‌ها (میکرو اورگانیسما)، ایجاد دوره‌های سوخت و ساز بسته میان انسان و طبیعت، و نظایر اینها. بحث از پرسشها و مسائلی با چنین خصوصیت فراگیر، نیازمند گفتگوها و پژوهشهایی است که به یک تصور جهانی منجر شود و در این کار یونسکو باید نقشی عمده ایفا کند.

فرهنگ چیزی تجملی نیست که مخصوص کسانی باشد که نیازمندیهای ابتدایی ایشان تأمین شده است بلکه به سازمان جامعه وابسته است، و جامعه نیروی بالندگی خود را به آن مدیون است. فرهنگ از هوشمندی بیسوادان یا آزمایش دست به دست شده نسلهای پستی کارگران ساده و نیز از عالیترین آموختگیها نتیجه شده است. از بین رفتن سنتهایی که بر اثر نوینگری بی‌ملاحظه فراموش شده یا از میان رفته، فقدانهای غیرقابل جبرانی برای فهم سرنوشت خودمان است.

توجه بیش از اندازه به خصوصیات فرهنگی داشتن، درست به همان اندازه خطرناک است که کم توجهی به آن چنین است و راه دیگری برای مواجه شدن با همان خطرهاست. باید پیوسته میان علمها و فرهنگها حالت تعادلی را محفوظ داریم، هر چند این کار به تنهایی کفایت نمی‌کند و این کوشش باید با تعادل تلاشهای متقابل برای تفاهم، و با ایجاد هماهنگی پیوسته‌ای میان آنچه لازم است فرهنگهای مختلف از یکدیگر بیاموزند، همراه شود.

نباید این امر را مسلم فرض کنیم که انسانها بتوانند خود را از حرکت در مسیری که آنان را به خطرهای کثونی رسانده است خلاص کنند. بقای سیاره زمین در معرض خطر است. آیا وقت آن نیست که ما نوعی تواضع و گونه‌ای فرزوانگی، که گاه نیاکانمان نیز نشان می‌دادند و اکنون باید شالوده یک گرایش اخلاقی جدید شود از خود نشان دهیم؟ آنچه در معرض خطر است تنها بقای نژاد بشر نیست بلکه ادامه حیات همه موجودات زنده است. اگر آدمی، چنان که امروز ادعا می‌کند، برآستی می‌خواهد با محیط طبیعی به صورتی هماهنگ و سازگار زندگی کند، لازم است نه تنها حقوق بشر را محترم بشمارد، بلکه باید حقوق زندگی را در وسیعترین معنای آن پاس بدارد. ■

مارس ۱۹۷۶

